

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر میر عبدالرحیم عزیز

۳۱ اکتوبر ۲۰۱۱

امریکا بار دیگر افغانستان را به پاکستان فروخت

استمرار شرمندگی حامیان پیمان ستراتیژیک و استقرار پایگاه های امریکا در افغانستان

سفر اخیر هلری کلنتن وزیر خارجه امریکا به پاکستان در لحظاتی صورت گرفت که به عقیده یک عده، بازی سیاسی در افغانستان به پایان خود نزدیک شده (۴) و امریکا به اجبار خاک مقدس ما را ترک خواهد گفت. کاسه لیسان استعمار جاهلانه معتقد بودند که سفر هیأت عالیرتبه امریکا به پاکستان، این کشور را وادار به تسلیم خواهد کرد و به خواهشات امریکا به ارتباط افغانستان و گروه های تروریستی تحت حمایت اسلام آباد تن در خواهد داد. اما در این بازی، عکس آن اتفاق افتاد. این امریکا بود که تسلیم پاکستان شد و بار دیگر افغانستان را به اسلام آباد فروخت. حامیان تأسیس پایگاه های دائمی در افغانستان! حال چه خاک را بر سر خویش می ریزید؟

قبل از سفر هیأت امریکائی، شایعه بود که کلنتن پیغام خشنی تحویل مقامات سیاسی و نظامی پاکستان خواهد داد تا به موجب آن اسلام آباد از حمایت خود از گروه های تند رو مانند حقانی که در شمال وزیرستان لانه کرده دست کشیده و در راه تأمین صلح در افغانستان کمک نماید. در غیر آن امریکا با و یا بدون پاکستان دست به اقدامات لازم خواهد زد که همانا بمباران و یورش نظامی به سوی پاکستان است. همچنان تصور می شد که کلنتن به مقامات پاکستان حالی نماید که روابط امریکا و پاکستان در خطر سقوط بوده مگر این که اسلام آباد در روش خود تجدید نظر نماید. چیزی قابل توجه این بود که دیوید پتروس رئیس سی آی ای و مارتین دیمپسی لوی درستیز امریکا هم کلنتن را درین سفر همراهی کردند. لذا، برداشت صاحب نظران ساده لوح این بود "امریکا اینبار کار پاکستان را تمام کرده و افغانستان را از شر این کشور آسوده خواهد ساخت."

من همیشه به این عقیده بوده ام که علی رغم اختلافات ذات البینی بین امریکا و پاکستان که گاهگاهی ظهور می کند و چنین نشیب و فراز ها یک امر طبیعی در روابط میان کشور ها در صحنه سیاست جهانی تلقی می گردد، واشنگتن نه تنها هیچ زمانی افغانستان را بر پاکستان ترجیح نداده، بلکه اهمیت پاکستان برای امریکا در هر زمانی بیشتر از افغانستان بوده است. از زمان خلق پاکستان و در جریان جنگ سرد به شمول تجاوز شوروی به افغانستان، پاکستان متحد امریکا و عضو پیمان های سنتو و سیتو بود. با وجود تبارز تشنجات در روابط اسلام آباد

و واشنگتن، ناممکن است آمریکا به یک بارگی دست نشانده خود را که مجهز به تسلیحات اتمی است، رها نماید و به عوض افغانستان ناتوان را جانشین پاکستان سازد. در حال کنونی، نیازمندی آمریکا به پاکستان بیشتر از نیازمندی اسلام آباد به واشنگتن است و مقامات پاکستانی این ضعف آمریکا را خوب می دانند. دولت مستعمراتی کابل با رهبری فاسد و فاقد دانش اصلاً درین معادله نقشی سازنده ندارد تا بتواند از کشمکش های تناوبی اسلام آباد و واشنگتن بهره برداری نماید. جریان مذاکرات مقامات امریکائی با پاکستان ثابت ساخت که سفر هیأت عالیرتبه امریکائی به اسلام آباد برای ترساندن نی بلکه برای دلجویی و با اهمیت جلوه دادن پاکستان در منطقه و بالاخص به ارتباط بحران افغانستان بود.

کلنتن به تقاضای های پاکستان جواب مثبت داد: اول این که آمریکا محوریت نقش پاکستان را در افغانستان تأیید نمود و آن را در ختم بحران افغانستان مهم دانست. دوم این که آمریکا به تقاضای پاکستان به ارتباط تماس هر چه بیشتر با شبکه حقانی تن در داد. مقامات امریکائی اعتراف کردند که قبلاً با شبکه حقانی داخل تماس بودند. سوم و اما مسسخره این که آمریکا به نگرانی های پاکستان در مورد حملات طالبان از داخل افغانستان به پاکستان گردن نهاد. ضرب المثل قدیم که می گفتند "بگیریش که نگیری" همینجا صدق می کند. عوض این که دولت دست نشانده و مستعمراتی کابل از تجاوزات پی در پی پاکستان شاکی باشد، اسلام آباد از مداخلات افغانستان شکایت می کند و کلنتن هم جانب پاکستان را می گیرد. پس چه روسیاهی دیگری برای حامیان پایگاه های آمریکا باقی می ماند. عبدالله عبدالله و امرالله صالح و سایر مزدوران شورای نظار که فریبکارانه کوس ضد پاکستان را می نوازند، یا باید به خود لعنت بگویند و یا به باداران خویش.

کلنتن همچنان حرکات نمایشی از خود نشان داد و حاضر گردید که امتیازات بیشتری به پاکستان بدهد تا این کشور را طبق میل آمریکا به اصطلاح راضی نگهدارد. کلنتن پا را یک قدم جلوتر گذاشته و اظهار داشت که آمریکا و پاکستان مشترکاً با شبکه حقانی داخل مذاکره شده اند. چه فرخنده فضائی برای گردانندگان سیاست در واشنگتن. این حالت نمی تواند در قاموس سیاسی جز شکست چیزی دیگری تلقی گردد. **قدرت اول جهانی نزد یک شبکه به قول خود شان "تروریستی" زانو می زند و تقاضای مذاکرات صلح را می نماید.** این شبکه هم با غرور جواب رد می دهد و روش دو پارچه ساختن طالبان توسط آمریکا را خنثی می کند. درین جریان، نقش دولت دست نشانده کابل منوط می شود به نظاره گری و مالیدن پوزش به پای های آمریکا.

کلنتن این ادعا را که اداره اوباما اخیراً تهاجم زمینی آمریکا را به خاک پاکستان در نظر گرفته بود، قاطعانه رد کرده و گفت "این ادعا که هرگز یک ملاحظه جدی نبوده است. برعکس آمریکا در صدد احیای گفت و گو های ستراتیژیک خود با پاکستان است." این اظهاریه کلنتن یک برگشت ۱۸۰ درجه نی از تهدیدات چند هفته قبل بود که این خود افلاس و ناکامی سیاسی آمریکا را درین قسمتی از جهان تثبیت می کند. کلنتن بهره برداری آی اس آی را از شبکه حقانی و گروه طالبان در کوئته به دیده اغماض نگریسته و آن را یک امر طبیعی فعالیت های استخباراتی هر سازمان جاسوسی دانست. چندی قبل جنرال مایک مولن لوی درستیز سابق آمریکا اظهار داشته بود که "شبکه حقانی بازوی واقعی آی اس آی پاکستان است." این عقب نشینی خجالت بار آمریکا در مورد پاکستان، ما افغان ها را به این اندیشه می اندازد که بالای افغانستان معامله های سری بین آمریکا و پاکستان در حال تکوین است و آمریکا بار دیگر افغانستان را به اسلام آباد به فروش خواهد رساند. کلنتن خاضعانه از آی اس آی خواهش نمود که از نفوذ خود برای وادار ساختن شبکه حقانی برای مذاکرات صلح و آتش بس استفاده نماید. با این فعالیت های ضد منافع

افغانستان، فرومایگان تاریخ چطور ادعا می کنند که موجودیت دایمی پایگاه های امریکا، افغانستان را از مداخلات و تعرضات احتمالی پاکستان مصون نگه می دارد؟

سوال در این جاست که چرا امریکا از ستراتیژی قبلی خود رو گشтанده است. شاید اداره اوباما درک کرده باشد که پاکستان با سماجت بر موقف خود پافشاری کرده و زیر بار تهدیدات امریکا نخواهد رفت که یکی از نتایج آن بین بست در روابط این دو کشور خواهد بود که امریکا در زمان کنونی توانائی پذیرش آن را ندارد. لذا، به دلجوئی پاکستان پرداخت و به عقب نشینی ستراتیژیک دست زد. پاکستان همچنان می داند که امریکا هنوز هم به پاکستان محتاج است و کاری بدون موافقت اسلام آباد به ارتباط بحران افغانستان انجام داده نمی تواند. پاکستان همچنان با درک ضعف سیاسی و بحران اقتصادی امریکا، ناخن افکار این کشور را کماکان می فشارد و واشنگتن هم درد آن را احساس می کند، لکن دندان روی دندان گذاشته و فریاد نمی کشد.

اشفق کیانی لوی درستیز پاکستان با تکبر و خودخواهی گفت "پاکستان یک کشور اتمی است و هرگز مانند افغانستان و عراق نخواهد شد." واضحاً که در زبان دیپلماسی این یک اخطار است که پاکستان در صورت ضرورت برای بقای خود از اسلحه اتمی استفاده خواهد کرد. امریکا در آغاز معتقد بود که تهدیدات، اسلام آباد را به عقب نشینی وادار خواهد ساخت، اما سرسختی پاکستان امریکا را به آن داشت که از برخورد و رویارویی جدی در شرایط فعلی با پاکستان دوری جوید و از حل بحران افغانستان که پاکستان در آن داخل نباشد، خودداری ورزد و در عوض انگیزه های تشویق کننده را به پاکستان عرضه نماید. این دیپلماسی امریکا برای ما افغانها چه معنی دارد؟ فروش دوباره افغانستان به پاکستان. پس باردیگر ملاحظه می کنیم که امریکا پاکستان را به افغانستان ترجیح می دهد نه عکس آن. این می تواند درس عبرت دیگری برای میهن فروشان بی وجدان و لوده های سیاسی بی سر و پا باشد.

رهبری ضد ملی در کابل هرگز نمی تواند امریکا و پاکستان را به مبارزه بطلبد، زیرا خود دست نشانده و مستعمراتی است. هر نظام ضد ملی و مزدور ناگزیر به پیروی از اوامر اجنبی است. افراد احمق و فاقد شعور و تشخیص سالم اظهار عقیده می کنند که "افغانستان می تواند از تضاد و کشمکش بین امریکا و پاکستان مستفید گردد." این نظر وقتی می تواند به حقیقت نزدیک گردد که یک دولت مستقل، ملی و مردمی در کابل مستقر شود و حاکمیت ملی افغانستان احیا گردد. راه دیگری وجود ندارد.